به نام خدا

مستند

ساوالان

(قامت استوار )

مدت 50 دقیقه

طراح

عبدالله عزیزی

مقدمه : در شناخت قامتی که ایستاده است

در گسترهٔ پهناور ایران زمین، چند کوه هستند که از حد یک پدیدهٔ طبیعی فراتر رفته و به نمادِ هویت، استقامت و فرهنگ یک مردم تبدیل شده‌اند؟ کوه ساوالان، این سترگ آتشفشانی خاموش در شمال غرب ایران، با ارتفاع ۴۸۱۱ متر، تنها سومین قلهٔ بلند کشور نیست؛ او یک «قامت استوار» است در گذر ایام.

این کوه، نگهبانی است کهن در مرز استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی، که در طول میلیون‌ها سال، شاهد تحولات زمین، آمد و رفت فصول و گذر تمدن‌های مختلف بوده است. اما ساوالان تنها یک شاهد نیست؛ او یک حامی و منبع زندگی است. رودهای خروشان از دامنش جاری می‌شوند، مراتع سرسبز در دامنه هایش ، خانه و پناهگاه عشایر شاهسون و دام‌هایشان است، و چشمه‌های آب گرمش، درمانگر خستگی رهگذران.

فراتر از جغرافیا، ساوالان در حافظهٔ اسطوره‌ای و فرهنگی مردم این دیار ریشه دوانده است. و باور دیرین بر این است که زرتشت، پیامبر ایرانی، برای نیایش به سوی آن رفته و حتی آرامگاه او در کنار دریاچهٔ قله قرار دارد. این باور، هاله‌ای از تقدس را بر این کوه افکنده است، تا جایی که برای مردمانش، سوگند خوردن به نام ساوالان، مقدس و غیرقابل شکستن است. این کوه، تنها یک عارضهٔ طبیعی نیست، یک همزاد فرهنگی و یک پناهگاه روحی برای مردمانش است.

توجیه ساخت مستند: چرا «ساوالان: قامت استوار»؟

در زمانی که مخاطب جهانی، ایران را بیشتر با کویر و معماری تاریخی می‌شناسد، مستند «ساوالان: قامت استوار» این فرصت را ایجاد می‌کند تا یکی از شکوه‌مندترین و ناشناخته‌ترین چشماندازهای طبیعی ایران را به تصویر بکشد. این اثر تنها به دنبال ثبت زیبایی‌ها نیست، بلکه قصد دارد روح یک کوه را به مخاطب بشناساند.

«ساوالان: قامت استوار» تنها یک مستند دربارهٔ یک کوه نیست. این اثر، روایتی است سینماتیک و عمیق از یک «شخصیت» کهن؛ روایتی از ایستادگی در بادهای تاریخ، بخشندگی به همهٔ زیستمندانش و ماندگاری در خاطرهٔ جمعی یک ملت. ساخت این مستند، گامی ضروری برای ثبت جهانی این میراث بی‌همتا و انتقال شکوه آن به نسل حاضر و آینده، در داخل و فراتر از مرزهای ایران است.

اهداف و توجیهات اصلی تولید این مستند عبارتند از:

1. **معرفی یک نماد ملی فراموش‌شده**: ساوالان با همهٔ عظمت و اهمیتی که دارد، در رسانه‌های ملی و بین‌المللی کمتر از آنچه سزاوار است دیده شده. این مستند به مثابه یک «دعوتنامه تصویری» جامع، این شکاف اطلاعاتی را پر خواهد کرد.

2. **روایت یک اسطورهٔ زنده**: این اثر می‌کوشد تا نشان دهد چگونه یک پدیدهٔ طبیعی در طول تاریخ، به یک نماد فرهنگی و اسطوره‌ای تبدیل شده و چگونه این اسطوره، هنوز در زندگی روزمره، آیین‌ها و ترانه‌های مردم محلی جریان دارد.

3. **نمایش پیوند ناگسستنی انسان و طبیعت**: زندگی عشایر شاهسون، کوهنوردانی که برای فتح قله پای می‌فشرند، زنبوردارانی که از گلهاي دامنه‌اش عسل به دست می‌آورند و گردشگرانی که در آب‌های گرمش تمدد اعصاب می‌کنند، همه و همه گویای پیوندی عمیق و دوسویه بین انسان و این کوه است. این مستند این رابطهٔ طبیعی را به زیبایی به تصویر می‌کشد.

4. **ایجاد حس افتخار و تعلق ملی**: نمایش عظمت، زیبایی و تاریخچهٔ کهن ساوالان وتمدن های به تاریخ پیوسته اش، می‌تواند حس عمیق غرور و تعلق خاطر را در دل تمام ایرانیان برانگیزد و این کوه را به عنوان یک میراث مشترک ملی بیشتر معرفی کند.

5. **ظرفیت بین‌المللی چشمگیر**: داستان ساوالان، داستانی جهان‌شمول است، پایداری در برابر زمان، شکوه طبیعت بکر و جستجوی انسان برای معنویت. این مضامین، همراه با تصاویر خیره‌کننده از دریاچه‌های یخ‌زده قله، ژئوپارک شیروان‌دره، مراتع رنگارنگ و زندگی عشایری، این مستند را برای پخش در شبکه‌های معتبر بین‌المللی و حضور در جشنواره‌های تخصصی مستند طبیعت ایده‌آل می‌سازد.

6. **ترویج گردشگری پایدار**: این مستند، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای معرفی ظرفیت‌های منحصربه‌فرد طبیعت‌گردی، کوهنوردی و گردشگری ماجراجویانه استان اردبیل عمل کند و نقش مؤثری در توسعه اقتصادی پایدار منطقه ایفا نماید.

روایت و رویکرد: صدای کوه

راوی این مستند،خود کوه ساوالان خواهد بود. ما به این کوه، به عنوان یک "شخصیت" کهن، حکیم و زنده جان می‌بخشیم. این تنها یک تکنیک روایی نیست، بلکه یک "زاویه دید فلسفی" است که تمام اجزای مستند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ومنجرب به تبدیل طبیعت به شخصیت می شود .

نقطه قوت مطلق و منحصربه‌فرد این مستند،انسانیت بخشیدن به کوه است. این کار تنها از طریق قدرت کلام، صداگذاری و تدوین هوشمندانه انجام می‌شود. ما با این کار:

· **یک دیالوگ یکطرفه عمیق بین مخاطب و طبیعت ایجاد می‌کنیم.**

· **به اثر بعدی فلسفی و روان‌شناختی می‌بخشیم .**

· **اثری خلق می‌کنیم که نه تنها چشم را می‌نوازد، که روح را مخاطب قرار می‌دهد.**

این روایت، "ساوالان: قامت استوار" را از یک مستند اطلاع‌رسان به یک تجربه احساسی-تأملی تبدیل می‌کند که در خاطر مخاطب داخلی و بین‌المللی خواهد ماند.

توضیح و توجیه این رویکرد:

1**. خروج از کلیشه:** به جای استفاده از راوی دانای کل بیرونی یا گوینده‌ای که صرفاً اطلاعات می‌دهد، مخاطب را مستقیماً به درون جهان ذهنی کوه می‌بریم. این کار، حس نوستالژیک مستندهای قدیمی طبیعت را شکسته و اثری مدرن و فراگیر خلق می‌کند.

2. **ایجاد همذات‌ پنداری عمیق:** وقتی ساوالان از "من" استفاده کند، از "قامت استوارم"، از "میهمانان عشایرم" و از "زخم‌هایی که بر پیکرم وارد شده" حرف بزند، مخاطب با او به عنوان یک موجود زنده ارتباط عاطفی برقرار می‌کند، نه یک شیء بی‌جان.

3. **پیوند احساسی و طبیعی بین بخش‌ها**: این صدا است که همه بخش‌های نابرابر ومتمایز را به هم پیوند می‌زند. ساوالان است که می‌گوید: "عسل شیرینی که می‌چشید، از گلهايی است که بر دامنم روییده"، یا "کوهنوردانی که بر شانه‌هایم می‌خزند، همانند پیامبری هستند که روزی به سوی من آمد." این نگاه، وحدت موضوعی قدرتمندی ایجاد می‌کند.

4. **تقویت مفهوم "قامت استوار":** هیچ چیزی بهتر از این نیست که مفهوم ایستادگی را از زبان خودِ نمادِ ایستادگی بشنویم. این رویکرد، به طور ذاتی و مستتر، پیام اصلی فیلم را تقویت می‌کند.

چگونگی پیشبرد روایت: ساختار سفر درونی

روایت به صورت یک "سفر درونی" پیش خواهد رفت که با "سفرهای بیرونی" (کوهنوردان، عشایر، گردشگران ومحققان ) گره می‌خورد. این ساختار بر چهار محور استوار است:

محور اول: صدای ساوالان (لایه دراماتیک اصلی)

· لحن: حکیمانه، آرام، کمی غمگین (به دلیل دیدن آسیب‌ها)، اما در نهایت امیدوار و بخشنده.

· محتوا: نقل خاطرات، توصیف احساسات، بیان اسطوره‌ها به عنوان بخشی از هویت خود، و در نهایت، یک دعوتنامه و یک هشدار برای حفاظت.

· مضمون: روایت از نگاه یک موجود کهن که شاهد تولد، زندگی و مرگ چرخه‌های بی‌شمار بوده است.

· نمونه: «من این قامت استوار را برای میلیون‌ها سال برافراشته نگه داشته‌ام... نه برای خود، بلکه برای آنانی که در سایه‌ام آرام می‌گیرند و از موهبت‌هایم بهره می‌برند.»

محور دوم: صداهای انسانی (لایه مستندسازی واقعی)

· این صداها، روایت ساوالان را تصدیق و عینی می‌کنند. شامل:

· **یک کوهنورد پیر محلی که بیش از 350 بار به ساوالان صعود کرده ( کوهنوردان جستجوگران معنا ):** که از اولین صعودها و احترامش به کوه می‌گوید.

· **یک زن عشایر ( عشایر حافظان سنت )** : که از زندگی در سایه کوه و لطف آن می‌گوید.

· **یک زیست‌شناس یا زمین‌شناس:** که عظمت طبیعی کوه را از منظر علمی توضیح می‌دهد.

**· یک محقق ویا مورخ (حافظان حافظه):** : که بر جنبه تقدس کوه مهر تأیید می‌گذارد.

· این مصاحبه‌ها به گونه‌ای چیده می‌شوند که گویی هر کدام در حال گفت‌وگو با ساوالان یا پاسخ به روایت او هستند. ودر واقع مصاحبه ها رو به دوربین نیست با تصاویری که از آنها در دل ساولان ومرتبط با شرایط آنها گرفته خواهد شد مطالب از زیان ساوالان ولی از دیدگاه افراد روایت خواهد شد .

محور سوم: روایت بوم‌سازگان( اکو سیستم ) (جانِ جاری در قامت استوار)

**بوم‌سازگان (اکوسیستم)":** این واژه به درستی گویای شبکه پیچیده، پویا و زنده‌ای است که تمامی اجزای آن در ارتباطی ناگسستنی با یکدیگر و با کوه هستند. این محور، "تنفس" ساوالان را به تصویر می‌کشد.

این محور،قرار است نشان دهد که "قامت استوار" ساوالان، تنها به سنگ و صخره محدود نمی‌شود. این ایستادگی، در چرخه بی‌پایان زندگی که در دل و دامنش جریان دارد، تبلور یافته است. این بخش، فلسفه "وحدت در کثرت" و "ارتباط همه موجودات" را بدون آنکه مستقیماً به آن اشاره کند، در دل تصاویر و روایت جای می‌دهد.

سکانس فرضی برای محور سوم

صحنه: غروب آفتاب، رنگ طلایی بر دامنه‌های کوه پاشیده شده است.

1. نمای ماکرو (کلوزآپ): یک زنبور در حال جمع‌آوری شهد از گل‌های شقایق وحشی. صدای وزوز آن به وضوح شنیده می‌شود.

2. صدای ساوالان (با لحنی تقریباً شاعرانه):

«این کوچکِ پرجنب و جوش، بی‌خبر از نقش خود در داستان بزرگتر من کار می‌کند. هر قطره شهدی که می‌برد، تنها غذا نیست؛ یک پیمان است... پیمانی بین او، گلهايی که من پرورده‌ام، و تمامی زندگی‌هایی که از این طلای مایع سیر می‌شوند.»

3. تغییر نما: زنبوردار در حال برداشت قاب‌های عسل از کندو. تصویر، رنگ‌های گرم و طلایی دارد.

4. صدای ساوالان

\*«آنها اینجا فقط عسل تولید نمی‌کنند. آنها دوشانبه‌های ( شهد گلها ) ساوالان را جمع می‌کنند. این عسل، روح من است که قابل خوردن شده.»

5. تغییر نما : یک خرس قهوه‌ای جوان از پشت صخره‌ها سرک می‌کشد. بینی اش را تکان می‌دهد و بوی کندوها را تعقیب می‌کند.

6. صدای ساوالان (با لحنی آمیخته به لبخند و حکمت):

«و اینجاست که پیمان، آزموده می‌شود... این خرس گرسنه، تنها یک دزد نیست؛ او یادآور حقیقتی سترگ است که همه شما فراموش کرده‌اید: هیچ چیز در قلمرو من تنها نیست. زنبور، گل، عسل، خرس، و شما... همگی در شبکه‌ای ظریف و مقدس از نیاز و دادوستد، به هم دوخته شده‌اید. این خرس، تنها یک جانور گرسنه نیست؛ او فرزند دیرین من و نگهبان این سرزمین است.

اما امروز،میهمانان ناآگاهِ قامت من، حریم او را می‌شکنند. نزدیک شدن به او، نه شجاعت، که بی‌احترامی به زندگی و آشفتن آرامش این خانهٔ کهن است. یادمان باشد،ما میهمانانِ قلمرو او هستیم، نه مالکان آن. حمایت از او،یعنی پاسداشتِ همان قامت استواری که برای دیدنش به سوی من می‌آیید.»

7. نمای نهایی سکانس: خرس پس از ترساندن زنبوردار ، ( زنبور دار عمداً چند قاب عسل را برایش کنار گذاشته خرس مقداری از عسل را برداشته واز محل دور می‌شود ) . تصویرتغییر می کند به نمای گسترده‌ای از کوه که در تاریکی فرورفته، وستاره های آسمان در بالای کوه به راحتی دیده می شوند . موسیقی آرام و تأمل‌برانگیزی نواخته می‌شود.

محور چهارم : تصویر و صدا (لایه حسی و عاطفی)

· تصاویر خیره‌کننده، موسیقی اصیل محلی (عاشیقی) و طراحی صدای حرفه‌ای (وزش باد، شرشر آب، صدای گوسفندان، سکوت قله) فضاسازی می‌کنند تا مخاطب کاملاً در دنیای ساوالان غوطه‌ور شود.

ساختار و سرفصل‌های محتوایی اولیه «ساوالان: قامت استوار»

لازم به توضیح است که این ساختار وتقسیم بندی وروایتی که در زیر به آن اشاره شده به عنوان نمونه و مصداقی می باشد ودر مرحله تولید وپیش از آن حتما فیلمنامه تکمیلی آماده شده و بر اساس آن مستند پیش خواهد رفت و در این مرحله فقط صرفا برای اینکه سیر روایت وساختار مشخص شود تقسیم بندی های ساختاری نوشته شده است .

تماشا (۰ تا ۲ دقیقه)

· هدف: جذب فوری مخاطب و معرفی کلی موضوع با بیانی احساسی و بصری.

· محتوای بصری: یک مونتاژ سریع و خیره‌کننده از بهترین نماهای مستند:

· نمای هوایی از قلهٔ یخ‌زده در طلوع آفتاب.

· عبور ابرها از کوه.

· چشمان یک خرس در منطقه .

· حرکت آرام عشایر.

· ترک‌های خاک‌های خشک شده (برای ایجاد حسی از خطر).

· **صدای ساوالان** (روی تصاویر):

«من ساوالانم... قامتی استوار در گذر هزاره‌ها. برخی برای نیایش به سوی من آمدند، برخی برای چالش، و برخی برای خانه. اینک، داستان ما را بشنوید... داستان ایستادگی، بخشش و هشدار.»

**ریشه‌ها و هویت زادگاه اسطوره (۲ تا ۱۲ دقیقه)**

1. **زاده آتش ویخ** (۲-۵ دقیقه):

· معرفی جغرافیایی و فیزیکی ساوالان به عنوان سومین قله و یک آتشفشان خاموش.

· نماهای گسترده و با شکوه از کوه.و نمادهای مختلف آن از جمله سنگ قارتال .

· صدای ساوالان: «من از آتش زاده شدم و با یخ تاج بر سر نهادم... برای میلیون ها سال شاهد تحول زمین و گذر ستارگان بوده ام ، اینجا زادگاه اسطوره است .»

2. **جانِ معنوی** (۵-۹ دقیقه):

· پرداختن به باورهای آیینی: تقدس کوه، پیوند با زرتشت و آرامگاه او.

· تصاویر یک مورخ در دامنه های مرتبط با تاریخ ساوالان

· **صدای ساوالان**: «روزی مردی دانا به نام زرتشت، در سکوت قله‌ام، ندای آفریدگار را شنید. اینگونه بود که نامم با نور پیوند خورد.»

3. **ترانه‌های دامنِ کوه** (۹-۱۲ دقیقه):

· معرفی ترانه‌های محلی (مانند "آی ساوالان").

· تصاویری از عروسی در ییلاق عشایر در دامنه ساوالان و خوانندگی مردم محلی ( کوهنوردان ، چوپانان ) در مناطق مختلف ساوالان.

· صدای ساوالان: «مردمم، غم‌ها و شادی‌هایشان را در قالب نواها به دامنم می‌سپارند. این ترانه‌ها، نفس‌های من هستند.»

**چرخهٔ زندگی ، بخشندگی و پیوند (۱۲ تا ۲۷ دقیقه)**

1. **سفر فصلی:** عشایر شاهسون (۱۲-۱6 دقیقه):

· نمایش کوچ بهاری.

· زندگی روزمره، برپایی چادر، دامداری و صنایع دستی .

2. **طلای مایع**: از دوشانبه ( شهد گل ) تا عسل (۱6-۲0 دقیقه):

· نمایش گلهاي وحشی و زنبورها در حال جمع‌آوری شهد.

· تصاویر یک زنبوردار و فرآیند تولید "ساوالان بالی".

· صدای ساوالان: «کوچکترین میهمانانم، گرانبهاترین هدیه را برایتان به ارمغان می‌آورند...»

3. **آبِ زندگی**: چشمه‌های گرم و سرد (۲0-۲4 دقیقه):

· معرفی چشمه‌های آبگرم (شابیل، قینرجه) وچشمه های متعدد که به رودخانه ها جان می بخشند .

· تصاویری از مردم در حال استفاده از آن‌ها.

· صدای ساوالان: «در ژرفای وجودم، آتشی هست که آب‌ها را گرم می‌کند تا رنجهایتان را بشوید.»

**4** – **آتش در خدمت زندگی :** ( 24 – 27 )

. تصاویری از فعالیت نیروگاه زمین گرمایی

. صدای ساوالان : همان آتشی که روزی در دل اسطوره ها زبانه می کشید ...همان که زرتشت در سایه اش به جستجوی حقیقت نشست ...امروز نه خاموش ، که رام شده است . این بار ، این آتش از دهانم فوران نمی کند ، بلکه از ژرفای وجودم ، همچون نفسی گرم ، برایتان روشنی و گرما ی زندگی می آفریند .

شما انسانهای دوران نو ، وارثان همان خرد باستانی هستید که به تقدس من احترام می گذارد . اکنون یاد گرفته اید که چگونه این تقدس راباخرد مدرن درآمیزید : نه با ترس از آتشم ، که با سپاس از آن . شما گرمای جاودانم را به نیرویی برای پیشرفت تبدیل کرده اید .

**قلمرو بکر ، عظمت و تعادل (۲۷ تا ۴۲ دقیقه)**

1. **نگهبانان خاموش**: شیروان‌دره سی (۲۷-۳۱ دقیقه):

· معرفی این ژئوپارک به عنوان موزه‌ای طبیعی.

· نماهایی از دره‌های عمیق و صخره‌های عجیب.

2. **تار و پود حیات**: گونه‌های گیاهی و جانوری (۳۱-۳۸ دقیقه):

· نمایش گلها (لاله، شقایق) و حیوانات (کل و بز، عقاب).

· سکانس نمادین خرس و عسل: (همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد) برای نشان دادن پیچیدگی اکوسیستم و تعامل انسان و حیات‌وحش.

· صدای ساوالان (پیام هشدار): «این خرس، فرزند دیرین من است... ما میهمانان قلمرو او هستیم، نه مالکان آن.»

3**. تاجِ یخ**: دریاچه‌های اسرارآمیز (۳۸-۴۲ دقیقه):

· صعود نمادین به قله و نمایش دریاچه‌های "قله"، "آت‌گولی" و "طاوس‌گولی".

· صدای ساوالان: «در بلندترین نقطه، آیینه‌ای دارم که آسمان را در خود جای داده است. اینجا، جایی است که زمین به آسمان می‌رسد.»

**آواز قامت استوار** **آزمون و امید** (۴۲ تا ۵۰ دقیقه)

1. **آزمون اراده**: کوهنوردی در سبلان (۴۲-۴۶ دقیقه):

· نمایش چالش‌های صعود (باد، برف، ارتفاع).

· تصاویر کوهنوردان داخلی و خارجی در حین صعود.

2. **پایان‌بندی**: ندای ساوالان (۴۶-۵۰ دقیقه):

· بازگشت به نمایی گسترده و آرام از کوه در غروب.

· صدای ساوالان (جمع‌بندی نهایی):

\*«من، این قامت استوار، داستانم را گفتم. از ریشه‌هایم در اسطوره، از موهبت‌هایم به شما، و از زیبایی‌های خاموشم. اما این قامت، نیازمند احترام و پاسداشت شماست. هر زباله‌ای که بر پیکرم می‌اندازید، هر حریمی که می‌شکنید، رشته‌ای از تار و پود وجودم را می‌گسلد. از من محافظت کنید، همان‌گونه که من همیشه از شما محافظت کرده‌ام... تا ایستادگی من، مایهٔ ایستادگی شما باشد.»

عبدالله عزیزی 1387

بازنویسی 1404